



آیا فعل گذشته در گویش سمnانی بازمانده فعل گذشته در زبان

پارتی می باشد؟

فتانه یوسفی

آموزش و پرورش تهران، تهران، fa.yosefi1234@gmail.com

چکیده

بررسی ریشه شناسی و ساختار فعل در هر زبان و گویش می تواند راهنمایی برای شناخت دقیق دستور زبان باشد. گویش سمnانی یکی از بازمانده های زبان فارسی میانه است ، که به علت قدمت و حضور نسبتاً بیشتر در متون علمی و تخصصی زبان شناسی و ساختمان ویژه ی دستوری قرار گرفته است. این پژوهش با بررسی و ریشه شناسی ، به ارزیابی ساختار فعل و نحو آن ، و شناسایی هرچه بیشتر فعل گذشته در جمله ، در گویش سمnانی که بازمانده فارسی میانه غربی می باشد ، پرداخته است. در این تحقیق ، سعی بر آن شده است که ساخت فعل گذشته از لحاظ صوری و تصریفی بررسی شود. ساخت فعل ، حتی در ساخت واژه اشتقاقی ، نیز در مواردی با نحو آمیخته است. نحو نقش بسیار تأثیرگذار و مهمی دارد . به ساخت های مختلف فعل گذشته از جمله ساده و مرکب ، عبارت فعلی ، پیشوندی ، پسوندی ، و مواردی از این قبیل پرداخته است. مطابقت فاعل با فعل از جمله موارد اصلی است که در بخش شناسه ، شخص ، شمار و حالت مورد توجه قرار می گیرد. برای جمع آوری اطلاعات ، از روش های کتابخانه ای و با استفاده از فیش برداری اطلاعات ، به صرف و نحو فعل ها پرداخته می شود.

واژه های کلیدی

ریشه فعل ، ساختمان فعل ، وجه ، نمود ، زمان



۱. متن مقاله

زبان و فرهنگ ایران از زمان های دور آغاز شده ، بارور گشته ، در مسیر تمدن های گوناگون قرار گرفته ، و برغناى خود و دیگران افزوده است. بخش بزرگی از این فرهنگ را زبان و ادبیات ما تشکیل می دهد . در زبان فارسی میانه مقوله های ساخت فعلی عبارتند از : ستاک ، شخص ، شمار ، زمان ، وجه و نمود. این مقوله ها همگی بازمانده ای از نظام فعلی در ایران باستان هستند. زبان سمنانی ریشه ای بس عمیق در زبان کهن ایرانی دارد. شباهت تعداد قابل توجهی از واژگان این زبان با زبان فارسی کهن می تواند مهر تأکیدی بر این دعا باشد. فعل به عنوان یک عنصر اصلی در نحو زبان ها ، ستون اصلی جمله است. و بررسی آن در این زمان می تواند به شناخت دستوری زبان سمنانی و ارتباط آن با فارسی میانه کمک قابل توجهی کند . به طور کلی فعل دارای ویژگی های زیر است :

(۱)- اساساً نشان دهنده وقایع و حوادث و همپنین رابط یک حالت یا وضعیت به فاعل است.

(۲)- به تنهایی و یا در قالب یک گروه ، حداقل گزاره را در جمله تشکیل می دهد.

(۳)- بر تعداد و انواع سازه ای ممکن در جمله حاکمیت دارد.

(۴)- در زبان های تصریفی ، زمان ، وجه ، جهت ، و مطابقت با دیگر سازه ها را می توان به وسیله فعل بیان کرد. یعنی مطابقت شخص ، شمار ، جنس باشد.

بن یا ستاک : بن را ماده فعل می نامند . بن یعنی یک کلمه منهای وندهای تصریفی. ستاک را بخشی از واژه می نامند که قبل از افزودن وندهای تصریفی وجود داشته است . اگر فرض کنیم بن فقط تصریف را در برمی گیرد باید ریشه را بررسی نماییم . ریشه می تواند با گرفتن یک تکواژ تبدیل به بن شود.

ریشه : یکی از مباحث مهم در بررسی ها و تحلیل های صرفی ریشه است. ریشه را بخشی از کلمه می داند که پس از حذف کلیه اجزا و عناصر صرفی اضافی به دست می آید . این اجزاء می تواند وندهای تصریفی و اشتقاقی باشند . ریشه جزء اصلی و مجردی است که معنی واژه های متعددی ساخت که به علت هم ریشه بودن و اشتراک معانی ، واژه های هم خانواده خوانده می شود. پیشینه تحقیق و گویش سمنانی:

دسته زبان های غربی، زبان ها و گویش هایی هستند که در ادوار باستان در بخش غربی فلات مرتفع ایران، در غرب کویر نمک رواج داشته اند . گویش های منطقه سمنان متعلق به زبان ها و گویش های ایرانی نو غربی هستند و با گویش های حاشیه ای دریای خزر یعنی مازندرانی و گیلکی خویشاوند می باشند. گویش سمنانی در طبقه بندی زبان ها و گویش های ایرانی در مرحله ی گذر از دوره ی باستانی به میانه و در جایگاهی نزدیک تر به زبان های باستانی جای دارد و ویژگی های کهن زبان های باستانی را تا اندازه زیادی نگه داشته است. گویش سمنانی را می توان حلقه ی رابط بین پارتی باستان و پارتی میانه دانست. گویش سمنانی با ویژگی های کهن خود از جایگاهی والا در بین گویش های ایرانی برخوردار است شاید بتوان گفت تعداد گویش هایی که قدمت و اصالت آن ها با گویش سمنانی برابری یا ار آن ها کهن تر باشد بسیار اندک است. پژوهش های انجام نشده بیانگر آن است که گویش سمنانی با توجه به ویژگی های آوایی و دستوری آن از زبان های ایرانی دوره ی میانه ، یعنی زبان های پارتی (پهلوی اشکانی) و پارسی میانه (پهلوی ساسانی) که حدود ۹۰۰ سال از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ میلادی زبان رسمی ایران بوده اند، کهن تر است و از این رو می توان آن را حد فاصل بین زبان های اوستایی ، مادی و پارسی باستان و زبان های دوره ی میانه دانست و پیشینه ای بیش از ۲۲۵۰ سال برای آن قائل شد . همین ویژگی باعث شده است که گویش سمنانی از حدود ۱۵۰ سال پیش یعنی از سال ۱۸۵۸ میلادی مورد توجه شرق شناسان قرار گیرد و جای تأسف است که تعداد محققان خارجی که به تحقیق در این گویش پرداخته اند ، بیش از پژوهشگران ایرانی است. ارناسکی در کتاب زبان های ایرانی پس از بررسی برخی از گویش های مربوط به زبان های ایرانی نو (فارسی دری)، به گویش های ایران مرکزی و غربی می پردازد، و در این حوزه سیزده گویش را نام می برد که یکی از آن ها گویش سمنانی است. در ارتباط با گویش سمنانی با زبان پارتی : کریستن سن دانمارکی اولین محقق در گویش سمنانی است ، گویش سمنانی را مرتبط با زبان های مادی و پارتی می داند و می گوید : از تعداد افراد کمی که به این گویش صحبت می کنند ، می توان حدس زد که بسیاری از خصوصیات زبان های ایرانی باستان در این گویش حفظ شده و متعلق به آن دسته از زبان هایی است که مادی ها و پارتی ها به آن سخن می گفتند. پژوهم پنهانی در مقاله خود با عنوان ریشه یابی چند واژه کهن سمنانی ، ریشه ی ۱۵۶ لغت سمنانی را در فارسی میانه و باستانی جستجو کرده است . او جایگاه گویش سمنانی را در بین زبان های ایرانی



معرفی نموده و با مقایسه ی گویش سمنانی با زبان های ایرانی پارسی به موارد تمایز و تشابه آن ها اشاره می کند از جمله موارد تفاوت به نمونه های ذیل اشاره می نماید :

(۱) - ضمائر شخصی در حالت فاعلی و مفعولی متفاوت است. (۲) - در زمان های گذشته اگر فعل لازم باشد فاعل ، حالت فاعلی واگر فعل متعدی باشد فاعل حالت مفعولی دارد . (۳) - سوم شخص مفرد افعال لازم گذشته برای مذکر و مؤنث متفاوت است.

پیشینه تحقیق و فعل در زبان فارسی میانه غربی :

مقاله فعل در فارسی میانه پهلوی اشکانی از خانم دکتر گلنار قلعه خانی و مقاله بررسی ساختار فعل های جعلی در فارسی میانه از یدالله منصوری ، مقاله فعل التزامی در فارسی میانه از قائم مقامی و مقاله فعل در زبان فارسی از میر خسرو فرشیدورد. و هم چنین رساله درباره کتیبه های پارسی از یاسمن میرفندرسکی که این پژوهش را یاری داد تا در مورد موضوع مقاله که در مورد بررسی فعل در کتیبه های پارسی است ، باری دهند. درباره نظام فعل در کتیبه های اشکانی و ساسانی کار های تخصصی به غیر از چند مقاله انجام نشده است . نخست می توان از کتاب دستور تاریخی زبان فارسی دکتر محسن ابوالقاسمی یاد کرد ، این کتاب در واقع ، یک منبع تخصصی در این زمینه می باشد . درباره موضوع فارسی میانه کتیبه ای منابعی که به زبان فارسی نوشته شده اند ، را به سه دسته تقسیم کرد (۱) منابعی که فارسی میانه و پارسی را با هم بررسی کرده اند . (۲) دستور زبان فارسی میانه که تنها آثاری که به دستور زبان فارسی میانه پرداخته اند (۳) مقالات تخصصی درباره نظام فعل در زبان فارسی میانه کتاب زبان فارسی میانه پرداخته اند . از کتاب دستور زبان فارسی میانه اثر راستارگویا به ترجمه ولی الله شادان نیز می توان نام برد .

مقالات تخصصی درباره نظام فعل : این منابع را به سه دسته تقسیم می کنیم .

(۱) منابع کلی که فارسی میانه و پارسی را با هم بررسی کرده اند.

(۲) دستور زبان فارسی میانه ، تنها آثاری که به دستور زبان فارسی باستان پرداخته اند.

(۳) مقالات تخصصی درباره فعل

The Iranian languages) منابع کلی : در این دسته مقاله شروو با عنوان ایرانی میانه غربی در کتاب 4

زبان فارسی میانه و پارسی را بررسی کرده است. یک اثر فوق العاده مهم در باب نحو فارسی میانه و پارسی اثر برونر تحت عنوان نحو ایرانی میانه غربی است. این اثر تخصصی در نحو زبان های میانه غربی است. در ترجمه از این اثر در زبان فارسی موجود است.

(۲) دستور زبان فارسی میانه : نخست می توان از کتاب شروو با عنوان مقدمه ای بر پهلوی یاد کرد. دوم مقاله هیل با عنوان پهلوی است. (۳) تخصصی درباره نظام فعل در دوره ساسانی و اشکانی

۱ Homenaje a Juanjo ferrer-losilla, pre`sent et important en moyen – perse et parth , E`ric pirate en su 65 aniversario , pp, 99-121

2-JÜgel T.2010 ,on the origin of the Ergative construction in Iranian:evidence from Avestan,Ancient and Middle student , edited by Maria Macuch , Pieter weber and Desmond Durkin –Meisterenest , pp,99-114.

3-Utas,Bo 1974 , Verbal forms and ideograms in the Middle Persian Inscription ,ACTA Orientalia 36 , pp , 83-112

4-Skjærø,prods o , on the Middle Persian imperfect ,Aula orientalis supplementa , V,6, Barelona,pp,161-188

کتاب فرهنگ ریشه شناختی افعال فارسی میانه دکتر یدالله منصوری نیز قابل ذکر است.

فعل گذشته در فارسی میانه غربی(پارسی ، ساسانی) :

ستاک ماضی :

در ماضی میانه ستاک ماضی که با اعمال قواعدی خاص بر ریشه ساخته شود، ندارد.

ستاک ماضی در زبان فارسی میانه بازمانده وجه وصفی گذشته -ta- (صفت مفعولی و فاعل گذشته) است . که به صورت t و t در آمده است .

d-در محیط آوایی بعد از مصوت یا صامت های واکدار و-t- در مابقی محیط ها به کار می رود.مثل :-āmā

craft علاوه بر این ستاک ، ستاک ماضی دیگری وجود دارد به نام ستاک ماضی جعلی معروف است .



این ستاک از پیوستن *-īd* یا *-ist* به اسم ، ماده مضارع لازم و متعدی و مجهول و واداری و جعلی ساخته می شود. مثال: *nām- ist, kām- īd* (ابوالقاسمی ۱۳۸۵، ۱۷)

زمانهای ساخته شده از ستاک ماضی :

از ستاک ماضی زمان های ماضی ساده ، ماضی نقلی ، ماضی بعید ، ماضی التزامی مجهول و ماضی تمنایی مجهول ساخته می شود.
از ماضی التزامی مجهول و ماضی تمنایی مجهول در بحث از وجوه صحبت خواهیم کرد.

در مطالعه زمان های ماضی فارسی میانه باید توجه داشت ، که در مرحله اولیه افعال براساس لازم یا متعدی بودن دو جداگانه خواهند داشت .

ساختمان متعدی را اصطلاحاً ارگاتیو (این ساختار ، ساختمان عامل دار یا مجهول نامیده اند) می نامند.

در خصوص صفت مفعولی این موضوع مهم است ، که بر پایه الگوی ایرانی باستان ، کار کردش در فعل های متعدی ، مجهول و در فعل های لازم ، گذرا درک می شود. (اشمیت ، ۱۳۸۶، ۲۴).

ماضی ساده :

این زمان ، برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است ، به کار می رود.

زمان ماضی ساده همان طور که در بالا گفته شد ، بر اساس این که فعل لازم باشد یا متعدی آن متفاوت خواهد بود. ماضی ساده افعال لازم : این افعال از ستاک ماضی به اضافه صرف مضارع اخباری فعل *-n* ساخته می شود، نکته مهم در سوم شخص مفرد است ، که خود به ستاک به تنهایی به کار می رود.

ماضی نقلی :

ماضی نقلی برای بیان وضعیت کنونی که از یک حادثه در گذشته سرچشمه گرفته است ، به کار می رود. این زمان نیز همچون ماضی ساده به دو دسته تقسیم می شود. ماضی نقلی افعال لازم : در این ساخت ستاک ماضی به همراه مضارع اخباری فعل *estādan* صرف می شود.

مفرد	جمع	
būd-estēm	būd-estēm	اول شخص
būd-estē	būd-estēd	دوم شخص
būd-estēd	būd-estēnd	سوم شخص

ماضی نقلی افعال متعدی : در این ساخت ستاک ماضی به همراه صورت ثابت *estēd* که مضارع اخباری سوم شخص مفرد از فعل *estādan* است ، می آید. شخص و شمار این فعل به وسیله عامل که پیش از آن می آید ، مشخص می شود.

مفرد	جمع	
-m dīd estēd	-mān-ndīd estēd	اول شخص
-t dīd estēd	-tān dīd estēd	دوم شخص



-š dīd estēd	-šān dīdestēd	سوم شخص
--------------	---------------	---------

ماضی بعید:

ماضی بعید برای بیان عملی که از گذشته دور سرچشمه گرفته ، و آثارش تا کنون برجاست ، به کار می رود. این زمان نیز همچون ماضی ساده به دو دسته تقسیم می شود .

ماضی بعید افعال لازم : این ساخت از افزون صرف ماضی ساده فعل *estādan* به ستاک ماضی لازم ساخته می شود.

مفرد	جمع	
raft estēd hēm /hom	raft estēd hēm/hom	اول شخص
raft estēd hē	raft estēd hēd	دوم شخص
raft estēd	raft estēd hēnd	سوم شخص

ماضی بعید افعال متعدی :

در این ساخت صورت ثابت *estād* که ماضی ساده لازم سوم شخص است ، به همراه ستاک ماضی به کار می رود. شخص و شمار این فعل به وسیله عامل که پیش از آن می آید مشخص می شود.

-m guft estēd	-mān و -n guft estēd	اول شخص
-t guft estēd	-tān guft estēd	دوم شخص
-š guft estēd	-šān guft estēd	سوم شخص

گاهی به جای فعل معین (ایستادن) از صیغه های ماضی ساده فعل بودن نیز استفاده می شود. *um dīd būd* دیده بودم . (تفضلی ، ۱۳۸۲، ۷۸)

هم چنین برای مجهول کردن ماضی بعید از ستاک ماضی به اضافه *estād būd* استفاده می شود. مثال : *guft estād būd* گفته شده بود.

در پایان در مورد افعال ماضی ذکر این نکته ضروری است ، که برای بیان استمرار در زمان ماضی دو راه وجود داشت : (۱) - استفاده از قید *hamē* پیش از فعل ماضی (۲) - استفاده از ستاک ماضی فعل *dāštan* پس از ستاک ماضی افعال متعدی . مثال : *u-š pay mōxt dāšt* پوشیده داشت .

به این موارد که بیان امتداد می کند (ماضی در جریان) هم گفته می شود.

فعل ماضی در گویش سمنانی :

در این گویش فرمول ساختمانی گذشته به این صورت است .

گذشته ساده	شناسه	ستاک گذشته	پیشوند فعلی
رفتگی	e	l	be
خوردی	æ	xörd	bö



(ba-bæ-bö-bi-bu-be) گذشته ساده ---وند (شناسه) + ستاک گذشته + پیشوند فعلی

منفی کردن افعال ماضی :

منفی کردن افعال ماضی (ساده -بعید -التزامی -نقلی) همانند افعال فارسی صورت می گیرد . با این تفاوت واج b و یا h در ابتدای افعال مثبت و واج n در ابتدای افعال منفی واکه های مختلفی را پذیرا می شوند. مانند :

nijema---bejema آمد- نیامد (مذکر)

آمد (مونث) nijemijæ---bijemijæ

ماضی التزامی :

رفته باشد	b efabu	næʃabu
خورده باشد	böxörbu	Næxörbu
جارو کرده باشد	haretbij	Naretbi

گذشته استمراری :

زمان گذشته استمراری در گویش سمنانی هم به تنهایی و هم با فعل معین داشتن به کار می رود.

گذشته استمراری	شناسه	ستاک گذشته	پیشوند فعلی
می رفتی	e	ʃ	me
می خوردی	æ	xörd	mö

گذشته استمراری ----شناسه های فعلی + ستاک گذشته + پیشوند (me-mi-mö-ma-mu-me)

زمان گذشته استمراری ، دارای نمود مستمر است. نمود مستمر این زمان با صیغه های زمان گذشته ی فعل داشتن ساخته می شود.

مانند داشتم می رفتم daʃt-æm mi -ræft-æm

برای منفی کردن این زمان ، تکواژ /ne/ با تک واژگونه های /næ,ne,nö,l,na,nu/ با تغییرات واکه ی پیشوند (-me-mi-mö-ma-) همراه است. (mu-me)

گذشته نقلی :

گذشته نقلی ----- شناسه + ʃ + ستاک حال فعل + پیشوند فعلی (ba-bæ-bö-bi-bu-be)

neʃtetʃi-----beftetʃi ایستاده است -نایستاده

این زمان با تکواژ /n/ و تک واژگونه های /æ,e,öi,a,u/ منفی می شود.

گذشته دور (ماضی بعید)

گذشته دور ---- شناسه فعلی +b+ ستاک حال + پیشوند فعلی (ba-bæ-bö-bi-bu-be)

صرف فعل خوردن ، گذشته بعید در گویش سمنانی

Bö-xör-b-æn	خورده بودم	Bö-xör-be-mön	خورده بودیم
Bö-xör-b-et	خورده بودی	Bö-xör-be-tön	خورده بودید
Bö-xör-b--eʃ	خورده بود	Bö-xör-be-ʃön	خورده بودند

در بعضی از فعل ها به /b/ واکه هایی اضافه می شود. مثل /bi-j-ema-bi-j-ön/

منفی گذشته بعید :

این زمان با تکواژ ne و تک واژگونه های /næ,ne,nö,i,na,nu/ منفی می شود.

گذشته ابعد:

شناسه +(bö)+ʃ+bi+ستاک حال فعل +پیشوند فعلی (ba-bæ-bö-bi-bu-be)

næʃabitʃi----- beʃabitʃi رفته بوده است

vaxörbitʃeʃ-----naxörbitʃeʃ نیاشامیده بوده است

نتیجه گیری:



فعل در گویش سمنانی ۶ صیغه دارد که در این گویش شناسه ها در آخر ماده فعل قرار می گیرد . که فعل در فارسی میانه غربی و فارسی باستان هم به همین منوال بوده است ، و ابتدا ماده و در پایان شناسه های فعل می آید . باید توجه داشت که اساسا ستاک ماضی ، صرف آن و تمام مشتقات اش در زبان فارسی میانه غربی نوآوری خود زبان ، بر اساس ساخت وصفی گذشته فارسی باستان هستند . ساخت اصلی مجهول فارسی میانه نیز دنباله رو ساخت خاص مجهول فارسی باستان است . در این میان فارسی میانه ، توانسته است در نوآوری خود ساختهای دیگری نیز برای مجهول به وجود بیاورد . یک نکته حائز اهمیت درباره مجهول ، ساخت های ماضی استمراری مجهول فارسی باستانی هستند . این ساخت های استمراری مجهول همانند شکل فارسی باستان خود هستند ، با این تفاوت ، تحول آوایی چند قرن فاصله را از سر گذرانید . منشأ تحول دو صورت *īy* و *īh* فارسی میانه به درستی مشخص نیست ، به خصوص که به صورت های متنوعی نوشته شده است . ساختهای مشتق در زبان فارسی میانه ، اساسا دنباله رو فارسی باستان نیستند . بلکه به صورت ترکیبی از چند پسوند در فارسی باستان تبدیل به یک پسوند خاص در فارسی میانه شده اند . از نظر کاربردی نیز در کتیبه ها این ساخت ها نقش زیادی ندارند و تنها در مرحله ی بعدی فارسی میانه است ، که به خوبی این ساختها ، در نحو زبان پرنسب شده اند ، و کاربردهای متنوعی دارند . بعضی از این پسوندها نیز در زبان باستانی قابل شناسایی نیستند ، و تنها می توان درباره آنها حدس و گمان زد مثل *šn* پیشوندهای فعلی در فارسی میانه تقریباً نوآوری های خود این زبان هستند . چه اولا پیشوندهای فعلی فارسی باستان همگی به صورت مرده به فارسی میانه رسیده اند . ثانیاً پیشوند فعلی در فارسی باستان چسبیده به فعل و بدون هیچ تغییری بود ، حال آنکه در فارسی میانه پیشوندهای فعلی آزادی عمل دارند و با فاصله هم می آیند . به طور کلی پیشوندهای فارسی میانه در نحو فارسی میانه نقش پرنسب دارند . ادوات فعلی و نشانه های نهی و نفی با تغییرات آوایی خاصی به فارسی میانه رسیده اند . ادوات فعلی در فارسی میانه به وجود آمده است ، که نوآوری خود این زبان می باشد . این ادوات نقشی را بازی می کنند که پیش از این نشانه های خاص وجه را بازی کرده اند . به عبارت دیگر نشان دهنده کاربرد وجوه هستند . در گویش سمنانی ماده گذشته ی فعل همواره به یکی از صامت های *āw* ختم می شود . یکی از بخش های مهم تصریف فعل در هر زبان ، این است که آیا فعل نشانی از فاعل در خود دارد یا نه ؟ در گویش سمنانی همانند زبان های فارسی میانه غربی شناسه های شخص و شمار که رد پای فاعل را در فعل نشان می دهد ، وجود دارد . شناسه از نظر شخص سه حالت دارد . اول ، دوم ، سوم شخص و از نظر شمار و حالت مفرد و جمع ظاهر می شود . که در زبان فارسی میانه غربی (ساسانی ، پارتی) کاملاً محرز می باشد . شناسه های فعل نشان دهنده ی شخص ، شمار و در بعضی از قسمت ها ، نشان دهنده ی جنسیت فاعل می باشد ، و چون به پایان ستاک فعل ها ، افزوده می گردند آن را صرف می کند . که در زبان های فارسی میانه غربی هم این مطلب کاملاً بارز است . در وندهای نفی که در گویش سمنانی نیز با *ne* و با تک واژگونه های *næ, nō, ni, na* می باشد . که برگرفته از زبان پارتی می باشد .

منابع فارسی :

- ۱- ابوالقاسمی ، محسن (۱۳۹۵) ، دستور تاریخی زبان فارسی ، تهران ، سمت
- ۲- ابوالقاسمی ، محسن (۱۳۹۲) ، راهنمای تاریخی باستانی ایران ، تهران ، سمت .
- ۳- آموزگار ، ژاله -تفضلی ، احمد (۱۳۹۵) ، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن ، تهران ، معین .
- ۴- تفضلی ، احمد ، (۱۳۸۹) ، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن ، تهران ، معین .
- ۵- رودیگر ، اشمیت -زوندرومان ، ورنر و دیگران ، (۱۳۸۲) ، راهنمای زبانهای ایرانی ، ترجمه حسن رضایی باغ بیدی و دیگران ، تهران ، ققنوس .
- ۶- زرشناس ، زهره ، (۱۳۸۵) ، زبان و ادبیات باستان ، تهران ، دفتر پژوهش های فرهنگی .
- ۷- سامی ، علی ، (۱۳۸۹) ، تمدن ساسانی ، ج ۲ ، تهران ، سمت
- ۸- فرشیدورد ، خسرو ، (۱۳۸۳) ، فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی ، تهران ، سروش .
- ۹- منصوری ، یدالله ، (۱۳۹۴) ، فرهنگ زبان پهلوی ، تهران ، انتشارات شهید بهشتی
- ۱۰- نوایی ، یحیی ، ماهیار ، (۱۳۷۱) ، "باشد" در هفتاد مقاله ، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی (ج ۲ ، ۵۶۷-۵۷۲) ، تهران ، اساطیر
- ۱۱- هنریک ساموئل ، نیبرگ ، (۱۳۹۰) ، دستور نامه پهلوی (ج ۲ ، ۱) ، تهران ، اساطیر



منابع انگلیسی:

- 1)-Bartholomae ,c,Altiranisches wörterbuchi,Berlin.(1961)
- 2)-Brunner.c.J.Asyntax of western Middle Iranian,NewYok.(1977)
- 3)_Henning ,W,B,Das verbun des Mittel persischen der Turfanfragment .[zll,pp,158-253.s,Act .Iran 14,pp,65-160],(1933)
- 4)-kent,R,G,old Persian(Gramer –Texts-lexicon,New Haven ,(1953)
- 5)-skjærvø,'Middle west Iranian ' in wind fuhr The Iranian langues(pp.196-270),Rout ledge (2009)

“Is the past verb in the Semnani Dialect a remnant of the past verb in the Parthian language?”

Abstract

The survey focused on the etymology and structure of verbs in any language and dialect can act as a guiding element for accurate knowledge of grammar. Semnani Dialect has proved to be one of the remnants of Middle Persian language and which has been emphasized due to its antiquity and its most commonly application in most of linguistic scientific, specialized texts of linguistics and special grammatical structure, as well as most of the past participles in the sentence are expressed in the Semnani dialect, which is a remnant of Middle Persian. This research attempts to examine the construction of the past verb from the superficial and paradigmatic perspectives. Mostly, the construction of the verb has been combined with syntax, even in the construction of the derivative word. The syntax plays a very important role here. It has dealt with the various constructions of the past verb, including simple and compound form, the verb expression, prefix and suffix, and the like. The accordance between verb and subject is one the most factor that should be paid attention as they are applied together with the earmark, personal, number and mode. The library methods and using data taking receipt or note were applied for the purpose of data collection in order to investigate the accident of verbs.

Keywords:

Verb Root, Verb Structure, Participle, Appearance, Tense.